

تفسیر قرآن در رسانه (صوتی)*

سید حمید جزایری** و مصطفی احمدی فر***

چکیده

امروزه ابزار رسانه، مهم‌ترین راه برای تبلیغ و نشر آموزه‌های قرآنی و قوانین و شریعت به شمار می‌رود. تفسیر کلام الهی در این بین جایگاه والایی داشته و شایسته است در رسانه به این مهم توجه ویژه‌ای شود.

بایسته است تفسیری که در رسانه به ویژه صدا (رادیو) اجرا می‌شود، قوانین و مقررات خاصی جهت آماده‌سازی و تهیه داشته باشد. بدین‌سان ناگزیریم که روش‌های نوین جهت استوارسازی، اتقان و جذابیت این امر برگزینیم.

این نوشتار بر سه محور چپستی تفسیر رسانه‌ای (صدایی / رادیویی)، ذکر نمونه‌هایی از بهترین تفاسیر صدایی (رادیویی) متفاوت از کشورهای مختلف جهان عرب و راه‌های دستیابی به طریق، شیوه و روش مفسران، بیان بهترین شیوه در تهیه و ارائه تفسیر به وسیله صدا (رادیو) برای تمام گروه‌ها سامان یافته است.

نویسنده بر این باور است که روش‌های تفسیری صدایی (رادیویی)، همچنان نیاز به روش‌ها و سبک‌های نوین دارد که باید همگام با نیازهای عصر حاضر برای شنونده و مخاطبان مختلف ارائه گردد.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، صدا (رادیو)، رسانه، تفسیر رسانه‌ای (صدایی).

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۷.

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیة: jazayeri@almustafaou.com

*** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیة (نویسنده مسئول): ahmadifar65@yahoo.com

مقدمه

دانشمندان در طول روزگاران متمادی به تفسیر قرآن همت گماشته‌اند. برخی از آنان تفسیر را به صورت مکتوب درآورده و برخی دیگر، آن را در مدارس می‌خواندند و در مجالس دیکته می‌کردند. برخی دیگر در مساجد بر فراز منابر، قرآن را شرح و تفسیر نموده، معانی آن را بازگو می‌کردند.

شایسته ذکر است که مفسران کلام الهی هر فرصتی را غنیمت می‌شمردند و تمام همّت خویش را در راه اعتلای کلمه توحید و معانی و تفاسیر قرآن صرف می‌کردند. با به وجود آمدن ابزار رسانه در عصر کنونی، لازم است از این ابزار جهت ارتقای معارف تفسیری کلام خداوند بهره جوییم، اما بهره جستن از این موهبت الهی مستلزم راهکار، روش و شیوه خاصی است که در برخی از کشورهای عربی به اجرا درآمده و نقصان فراوانی در آن یافت می‌شود که در این نوشتار ذکر و آسیب‌شناسی می‌شود.

مفهوم شناسی تفسیر رسانه‌ای (صدایی)

پیش از آنکه معنای اصطلاحی تفسیر رسانه‌ای (صدایی) را بررسی نماییم، ناگزیریم کنکاشی در معانی لغوی، مفردات و واژگان تفسیر رسانه‌ای در فارسی و عربی داشته باشیم.

۱. تفسیر در لغت و اصطلاح

تفسیر در لغت به معنای بیان، کشف کردن و پرده برداشتن است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۰: ۵۰۴/۴؛ ابن منظور، لسان العرب، بی‌تا: ۵/۵۵؛ فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۱۴: ۴۷۲) و گاهی کاربرد تفسیر و تأویل در یک معنا یکسان است (زبیدی، تاج العروس، ۱۹۹۴: ۷/۳۴۹).

تفسیر در اصطلاح اندیشمندان، به دو معنا آمده است: یکی اینکه تفسیر از اقسام بدیع و محسنات معنوی است؛ بدین معنا که متکلم سخنی می‌آورد که فهم آن نیاز به تفسیر دارد. دیگر اینکه تفسیر علمی است که مفاهیم الفاظ و کلام خداوند را روشن می‌کند.

مقصود از تفسیر قرآن، اصطلاح دوم است.

زرکشی می‌نویسد: تفسیر علمی است که به وسیله آن کتاب خدا که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل گردیده است، شناخته شود؛ معانی آن فهمیده می‌شود و احکام و اسرار آن استخراج می‌گردد (زرکشی، البرهان، ۱۳۹۱: ۱۳/۱).

اندیشمندان و علما در مقصود از تفسیر اختلاف کرده‌اند (ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۰۵: ۴/ ۱۶۷-۱۶۹). طبق یک دیدگاه برتر، تفسیر، شرح و بیانی برای قرآن کریم است (بن سلیمان الطیار، مفهوم التفسیر والتأویل والاسباط، ۱۴۲۳: ۶۴).

۲. رسانه و صدا (رادیو) در لغت و اصطلاح

واژه رسانه به فتح راء به معنای حسرت، افسوس و تأسف است. در اینجا مراد، رسانه به کسر راء است. واژه رسانه به معنای ابزار و وسیله است و مصادیق آن عبارت است از: رسانه‌های جمعی یا گروهی، وسائل ارتباط جمعی از جمله صدا (رادیو)، سیما (تلویزیون) و مطبوعات.

رسانه در لغت‌نامه دهخدا به معنای وسیله ارتباط جمعی، اعم از شنیداری، دیداری و نوشتاری است (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۳: ذیل واژه رسانه). در فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، رسانه به منزله مجموع ابزارها و روش‌ها برای برقراری ارتباط اجتماعی تعریف شده است (شیری، فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، ۱۳۷۱: ۵۰۲).

رسانه را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تقسیم‌بندی نمود:

الف) از نظر پیام: بعضی رسانه‌ها ویژه تفریح و تفنن‌اند. برخی به عقل و اندیشه مخاطب متوسل می‌شوند و برخی دیگر به احساسات و بعضی وسایلی برتر و پیشرفته برای تبلیغ‌اند و برخی برای ترویج تجارت.

ب) از نظر مفهوم: از این دیدگاه رسانه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- رسانه‌های منطقی: رسانه‌هایی که به وسیله نطق (سخن) پیام‌های خود را انتقال می‌دهند؛ مانند تبلیغات، روابط عمومی و اطلاع رسانی به زبان نوشتار و گفتار.

۲- رسانه‌های فیزیکی: رسانه‌هایی که جنبه عینی و مادی‌شان برجستگی دارد؛ مانند صدا (رادیو)، سیما (تلویزیون)، سینما و مطبوعات.

ج) از نظر ارتباطی: از این دیدگاه رسانه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- رسانه‌های شخصی: این نوع رسانه‌ها از مخاطبان محدود برخوردارند که در گذشته کارآیی بسیار داشته‌اند؛ مانند تلگراف، تلفن، تلفن همراه.

۲- رسانه‌های جمعی: رسانه‌هایی که مخاطبان‌شان انبوه و گسترده‌اند و برای ارتباط بزرگ‌تر و در محدوده جغرافیایی گسترده‌تر به کار می‌روند که خود به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- رسانه‌های چاپی؛ مانند روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و پوستر.
- ۲- رسانه‌های صوتی؛ مانند صدا (رادیو) یا سیستم‌های صوتی عمومی در فرودگاه‌ها و معابر عمومی.
- ۳- رسانه‌های تصویری؛ مانند سیما (تلویزیون) و سینما.
- ۴- رسانه‌های رایانه‌ای؛ مانند شبکه اینترنت (فولادی، چیستی رسانه‌ها با تأکید بر رسانه دینی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

معادل صدا (رادیو) در عربی «الاذاعه» است. الاذاعه در لغت به معنای ظهور و انتشار (آشکار شدن و پخش شدن) است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۲۰: ۳۶۵/۲). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ»؛ «و هنگامی که خبری (حاکمی) از ایمنی یا ترس به آن [منافق] ان برسد، منتشرش سازند» (نساء/۸۳) و مقصود از آن یعنی آن را در میان مردم آشکار و برملا ساختند. در جایی دیگر از اشعار ابی الاسود چنین آمده است:

اذاعوا به فی الناس حتی کانه بعلیاء نار اوقدت بثقوب

یعنی طوری آن را در میان مردم منتشر ساختند که گویا آتش بلندی است که در سوراخی یا گودالی افروخته شده است (طبری، تفسیر طبری، ۱۴۲۲، ۲۵۲/۷؛ ابن عطیه، تفسیر ابن عطیه، ۱۴۰۳: ۱۴/۴). ۱۸۸.

الاذاعه در اصطلاح اهل رسانه، یکی از ابزار ارتباط جمعی است که بر نقل اخبار و برنامه‌ها و دانستنی‌ها از ایستگاه‌های فرستنده (رادیو) به وسیله امواج الکترومغناطیسی تکیه دارد. این ایده بر محور انتقال صوت‌ها برقرار است. البته پس از اینکه صوت‌ها از طریق ایستگاه‌های پخش (رادیو) به امواج تبدیل می‌شوند به طوری که گوش دادن به این صداها از طریق دستگاه‌های گیرنده به طور کامل صورت پذیرد (السندی، تجربتی مع الاذاعه، ۱۴۲۲: ۲۲).

۳. تفسیر رسانه‌ای (صدایی / رادیویی)

برای تفسیر رسانه‌ای (صدایی) تعاریفی ذکر شده که البته این تعاریف جامع افراد و مانع اغیار نیست. برخی آن را بیانی از معانی قرآن دانسته‌اند که تهیه و ارائه آن در رادیو شکل می‌پذیرد. رجب البیومی تعریفی گسترده‌تر از تعریف قبلی بیان می‌کند. وی معتقد است تفسیر رسانه‌ای (رادیویی) هرگونه تفسیری است که تهیه و ارائه آن در صدا (رادیو) صورت می‌پذیرد

و تفاوتی ندارد که این تفسیر اختصاص به رادیو داشته باشد یا اینکه دروسی است که در مسجد تدریس شده و رادیو آن را پخش می‌کند؛ مانند درس تفسیر شیخ محمد متولی الشعراوی (البیومی، التفسیر القرآنی، ۱۴۲۵: ۱۸۰).

شایان ذکر است که این دیدگاه پیرامون تفسیر رسانه‌ای، دیدگاهی ناقص است؛ بدین سان که شایسته است در تفسیر رسانه‌ای ویژگی و جنبه‌های خاصی در شمولیت زمانی، افرادی و شیوه بیان آن قائل شد. یاد کردنی است کسی که تفسیر خود را در مسجد و منابر یا بر فراز کرسی تدریس ارائه می‌دهد، در مرحله اول آن تفسیر را برای شنوندگان خاص خود در مسجد یا دانشگاه‌ها آماده ساخته و از لحاظ بازه زمانی نیز با زمان تعیین شده در رادیو تناسب ندارد یا اینکه در برخی از این‌گونه تفاسیر، پرگویی و اطاله کلام می‌شود که در این صورت، ویژگی گویا بودن و مختصر بودن که ذات رسانه‌ای است، از بین خواهد رفت یا اینکه گونه‌ای از اصطلاحات علمی را به کار گیرد که این اصطلاحات برای بسیاری از شنوندگان ناآشنا است و...

در تعریف تفسیر رسانه‌ای شایسته است به سه عنصر شنونده، زمان و مکان توجه نمود؛ بدین سان می‌توان تفسیر رسانه‌ای را چنین تعریف نمود:
تفسیر رسانه‌ای (صدایی) به تفسیری می‌گویند که به شیوه خاص و با توجه به سه عنصر زمان، مکان و شنونده در رسانه (به خصوص صدا (رادیو)) توسط افراد اندیشمند تفسیری انجام می‌گیرد.

جستاری در نمونه‌های تفسیر رسانه‌ای (صدایی / رادیویی)

در برخی کشورهای عربی تفسیر رسانه‌ای جایگاه خاصی دارد و به شیوه‌های مختلفی اجرا می‌شود و بدین طریق توانسته‌اند شنوندگان فراوانی در رده‌های مختلف سنی جذب نمایند و معارف و تفسیر قرآن را گسترش دهند.

۸۵

یادکردنی است در جمهوری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی در صدا و سیما این روش اجرا می‌شود، اما شیوه‌های اجرا باید آسیب‌شناسی شود و شیوه بهتری جایگزین گردد تا بدین‌سان بتواند افراد بیشتری را جذب معارف تفسیری قرآن کریم نماید.

حال به نمونه‌هایی از تفسیر رسانه‌ای که برای صدای برخی کشورهای عرب تهیه شده، اشاره می‌کنیم:

۱- التیسیر فی احادیث التفسیر؛ شیخ محمد المکی الناصری (کشور مغرب)

رادیوی مغرب بخشی از برنامه تفسیر صبحگاهی خود را به تفسیر وی اختصاص می‌داد. این تفسیر پس از مدتی در صدای کشور عربستان سعودی پخش شد.

هدف از این تفسیر، آگاه سازی مردم و آسان سازی معانی و فهم قرآن بود. مفسر در باره تجربه‌اش در تفسیر کامل قرآن چنین می‌گوید: «و آن روز از فرخنده‌ترین روزهای دهه شصت بود که صدای (رادیوی) ملی مغرب مصرانه از بنده دعوت کردند و وظیفه نقل احادیث در تفسیر قرآن رادیو را بر دوش من نهادند و آن به روایت ورش از نافع است که این قرائت از چند قرن پیش مورد قبول و استقبال مردم مغرب بوده است. بعد از این دعوت به رخم شور و اشتیاقی که در من به وجود آمد، سنگینی این مسئولیت مهم و دشواری کار را احساس کردم» (الناصری، التیسیر فی احادیث التفسیر، ۱۴۰۵: ۶/۱).

اصول و قواعدی که این تفسیر بدان تکیه دارد، به قرار ذیل است:

الف) تقسیم تفسیر به قسمت‌های متعدد که هر یک از آنها یک حزب از قرآن را در بر می‌گیرد. در مجموع تعداد قسمت‌های تفکیک شده «التیسیر فی احادیث التفسیر» به دویست و چهل قسمت رسید.

ب) برای هر یک از قسمت‌ها مقدمه‌ای متناسب با حال شنونده قرار داده شد. وی در این مقدمه به درون مایه حزب یا موضوع کلی آن می‌پردازد و سپس به ساختار کلی آن و ارتباط آن با قبلیش اشاره‌ای دارد. بدین سان گذری بر تناسب میان آیات دارد. یاد کردنی است که اگر موضوع مربوط به ابتدای سوره باشد، درباره وجه نامگذاری آن نکاتی دارد.

ج) با توجه به اینکه این تفسیر در درجه اول متوجه کسانی است که آشنایی کمتری با فرهنگ اسلامی دارند، از اصطلاحات علمی و فقهی که فهم آن برای شنونده دشوار است، پرهیز شده و به لغات سهل و آسان بسنده شده است.

د) با توجه به اینکه در احادیث تفسیری، پدیده احادیث موضوعه به وفور یافت می‌شود، مفسر باید کمال دقت در صحت حدیث داشته باشد و از آثار سست و اخبار جعلی پرهیز نماید.

ه) به کارگیری زبان عامیانه و انتخاب شیوه‌ای آسان

و) شیخ در برخی از برنامه‌ها اگر میسر نبود که تفسیر ربع حزب را به پایان ببرد، بر تفسیر برخی از نکات آن بسنده می‌کرد و ادامه آن را برای قسمت بعدی برنامه قرار می‌داد. البته بعد از چاپ تفسیر این نکته را در مقدمه گوشزد می‌کند (هرماس، ۱۴۱۹: ۱۳).

این تفسیر در سال ۱۴۰۵ق. در ۶ جلد در دارالمغرب الاسلامی در بیروت چاپ شد.

۲- تفسیر القرآن؛ دکتر عبدالله الطیب (کشور سودان)

دکتر عبدالله الطیب تفسیری کامل برای رادیوی سودان در شهر ام درمان ارائه داد. تفسیر وی به سال (۱۹۵۸-۱۹۶۹م) تهیه و همزمان با تلاوت شیخ صدیق احمد حمدون (یکی از قراء مشهور سودان) پخش می‌شد.

شیوه و سبک وی در تفسیر بر سه محور می‌باشد:

بخش اول: مفردات هر بخش.

بخش دوم: خلاصه یا بیان معانی اجمالی هر بخش.

بخش سوم: خلاصه متداول به شیوه بیانی که با لهجه عامیانه مردم سودان ارائه می‌شود. انگیزه وی که در مقدمه جزء ۳۰ نقل کرده، تسهیل سازی است. وی می‌گوید: «هیچ چیزی مرا به نوشتن تلخیص به زبان متداول (لهجه عامیانه) و انداشت مگر آرزوی تسهیل سازی. همانا می‌دیدم که هر از چند گاهی، درسی از قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گرفت، مکث و درنگی در گویش زبانی افراد، به خصوص فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها رخ می‌دهد. این امری بود که باید از بین می‌رفت» (الطیب، تفسیر جزء عم، ۱۹۷۰: ۸). شاید همین عامل اصلی است که تفسیر وی در میان مردم سودان مورد قبول قرار گرفته بود. تفسیر جزء ۳۰ در سال ۱۹۷۰م. و تفسیر جزء ۲۹ در سال ۱۹۸۹م. در دارالکتب سودان در خرطوم چاپ شد و جزء ۲۸ آن قبل از بیماری‌اش به چاپ رسید.

۳- تفسیر القرآن الکریم؛ فضل حسن عباس (کشور اردن)

دکتر فضل حسن عباس در سال ۱۹۷۱م. در رادیوی اردن به تفسیر قرآن پرداخت و توانست یک دوره کامل تفسیر ارائه دهد. وی در مورد تفسیرش چنین می‌گوید: «خداوند متعال سه دهه پیش مرا توفیق داد قرآن کریم را به طور کامل در صدای اردن تفسیر کردم و این مهم تجربه‌ای پیشگام بود؛ زیرا در نوع خودش جزء اولین‌ها بود، چرا که من فقط مفسر نبودم بلکه آیات کریمه را تلاوت و تفسیر می‌کردم. سپس آیات دیگری را تلاوت می‌کردم و هر قسمت، ۱۵ دقیقه به طول می‌انجامید. این تفسیر چهارصد قسمت بود؛ یعنی چیزی نزدیک به صد ساعت، و چند سال هم زمان برد. فکر می‌کنم که همچنان در صدای (رادیوی) معروف خارج از اردن پخش می‌شود (حسن عباس، التفسیر الساسیاته واتجاهاته، ۱۴۲۶: ۲۰۶). این تفسیر از معدود تفسیرهایی بود که مورد استقبال وسیع مردم اردن قرار گرفت و حتی توجه دکتر جمال محمود ابوحسان را به خود جلب نمود.

حسن عباس قبل از آنکه شروع به تفسیر نماید، با صدایی بسیار زیبا، آیات را تلاوت می‌نمود که زیبایی و معنویت تفسیرش را دو چندان می‌ساخت. شایان ذکر است از دیگر عوامل موفقیت و جذابیت این تفسیر، تلفظ آسان و سهولت زبان فصیح بود. و هنگامی که آیات از زبان فردی اهل فن و خستگی ناپذیر تلاوت شود و با گوهر فهم، علم و آسانی لفظ ممزوج شود، اثری شگرف بر جان و دل شنونده خواهد گذاشت (ر.ک: ابوحسان، دراسات الاسلامیه و عربیه، ۱۴۲۳: ۴۰) متأسفانه این تفسیر هنوز به زیور طبع آراسته نشده است.

۴- علی هامش التلاوه؛ دکتر محمد السعدی فرهود (کشور مصر)

دکتر محمد السعدی فرهود، قرآن را به طور کامل در رادیوی مصر تفسیر نمود. دکتر بیومی در این باره می‌نویسد: «تفسیر دکتر محمد السعدی فرهود را از میان کسانی که در تفسیر رادیو شرکت داشتند، انتخاب کردم؛ زیرا وی تنها مفسری بود که تفسیر قرآن را به طور کامل در قسمت‌های پیاپی و مستمر بیان می‌کرد و آن را به دیگری واگذار نمی‌نمود. نتیجه زحمت وی تفسیر کامل قرآن شد ولی متأسفانه عاقبت چاپ این تفسیر نامشخص است (ر.ک: البیومی، التفسیر القرآنی، ۱۴۲۵: ۱۸۶؛ حسن عباس، اساسیاته و اتجاهاته، ۱۴۲۶: ۲۰۶).

۵- التفسیر الوسیط؛ وهبه مصطفی زحیلی (کشور سوریه)

این تفسیر ابتدا در شبکه سراسری رادیوی سوریه و سپس در رادیوی «صوت الشعب» هر روز غیر از جمعه در میان دو برنامه صبحگاهی «قصص من القرآن» و «الاسلام والحیاه» پخش می‌شد. این برنامه به مدت ۷ سال به طول انجامید (السید اللحام، بدیع، ۱۴۲۲: ۱۵۱). این تفسیر در سال‌های پس از تهیه و نشر، بدین نام نامگذاری شد و در ابتدای پخش در رادیو به این نام شهرت نداشت.

برخی از ویژگی‌های این تفسیر بدین قرار است:

الف) تقسیم‌بندی موضوعی بدین گونه که پیش از هر یک از این مجموعه‌ها، مقدمه‌ای ذکر می‌شد تا زمینه را برای فهم و مقصود آیات فراهم سازد.

(ب) بیان دقیق مدلول آیات با شیوه‌ای آسان و روان و با زبان ساده.
(ج) بیان شأن نزول آیات طبق قول صحیح.
(د) بیان اعراب برخی از کلمات بنابر نیازهای نحوی.
هـ) پرهیز از ذکر داستان‌ها و روایات جعلی (اسرائیلیات) که تفاسیر قدیم چندان از آن خالی نیست.
این تفسیر در سال ۱۴۲۱ق. در دارالفکر دمشق در سه جلد قطور به چاپ رسید که تعداد صفحات آن به ۲۹۶۷ صفحه می‌رسد (همان).

روش تفسیر رسانه‌ای

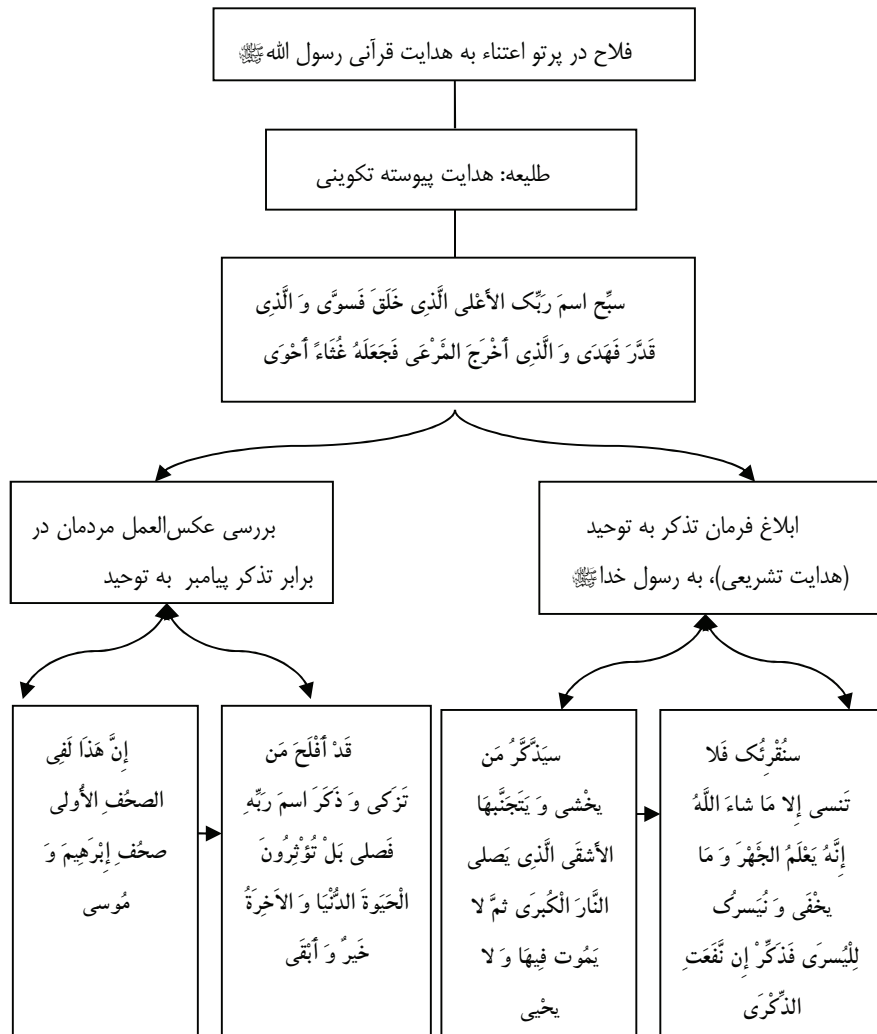
شیوه تفسیر رسانه‌ای شیوه‌ای است نو که متناسب با تمام گروه‌های جامعه پایه گذاری شده است. این شیوه بر سه عنصر شنونده، زمان و مکان نهاده شده است و سعی بر آن بوده که در مدت زمان محدود برنامه، بتواند نیازهای افراد را برطرف نماید و معارف تفسیری قرآن کریم را متخصصانه و ماهرانه به شنونده انتقال دهد.
برخی از ویژگی‌های آن بدین شرح است:

۱- تقسیم‌بندی سوره به بخش‌های متعدد و متنوع (با توجه به غرض و اهداف کلی سوره) که با زمان قسمت تعیین شده برنامه همسو و تناسب دارد. توانایی مفسر در این بخش بر بیان شیوه صحیح و روشمند و بررسی موضوع از جنبه‌های مختلف می‌تواند عنصر تعیین کننده‌ای در این فرایند باشد. در این شیوه تفسیری، مفسر باید با هنروری خاصی، افکار شنوندگان را از گمراهی و پریشانی به سمت موضوع سوق داده و ایشان را متمرکز در تفسیر سازد.

لازم است هر بخش، شامل یک موضوع باشد و به همان اکتفا گردد؛ برای مثال، در ۸۹ ماجرای ذبح گاو بنی اسرائیل که ماجرای مفصل و گسترده‌ای است (ر.ک: بقره/ ۶۷-۷۱) به یک موضوع از آن بسنده شود و سعی بر باروری آن موضوع شود (شایسته است که بیش از هفت آیه نباشد).

برای مثال، نمودار سوره اعلی که به بخش‌های متعدد تقسیم شده، به قرار ذیل است:

(تقسیم بندی زیر، تقسیم کلی سوره است و شرح تقسیم بندی جزئی ذیل نمودار آمده است)



نحوه کشف دسته بندی این سوره بدین قرار است:

آیات ۲-۴ وصف رب در آیه ۱ هستند و آیه ۵ هم ادامه آیه ۴ است؛ بنابراین تا آیه ۵، دسته‌بندی وجود ندارد، اما آیه ۶ افزون بر اینکه سرآغاز جمله‌ای جدید است، آغازگر سیاقی با محتوای جدید هم هست. با اندک توجهی به ترجمه آیات می‌توان این مطلب را به فراگیر تفهیم کرد. آیه ۷ استثناء از آیه ۶ است؛ چنانکه آیه ۸ هم عطف بر آیه ۶ است. آیه ۹ امری است که به لحاظ محتوایی متفرع بر مفهوم آیات ۶-۸ است. با توجه به مفهوم تذکر، معلوم می‌شود که محتوای آیه ۱۰ هم ناظر به آیه ۹ است. آیه ۱۱ از نظر مفهومی در تقابل با آیه ۱۰ و مکمل آن است. آیات ۱۲ و ۱۳ نیز اشقی را در آیه ۱۱ توصیف می‌کنند؛ بنابراین، از آیه ۶ تا آیه ۱۳ نیز یک کلام است. توجهی به این آیات نشان می‌دهد که آیه ۶-۸، وعده‌های خدای متعال به پیامبر اکرم است و آیات ۹-۱۳ مشتمل بر فرمان الهی به او و بررسی نتیجه آن است؛ به همین دلیل، می‌توان این کلام واحد را در مقام تبیین به دو مطلب تقسیم کرد. آیه ۱۴ آغازگر جمله‌ای جدید و سیاقی با محتوای تازه است. آیه ۱۵ عطف به ترکی در آیه ۱۴ است. آیه ۱۶ با توجه به ماقبل نظارت دارد. آیه ۱۷ در مقابل آیه ۱۶ و مکمل آن است، اما آیه ۱۸ دارای کلمه «هذا» است که از ادات اشاره است و مشار الیه آن ماقبل است، اما باید ببینیم که آیه به محتوای آیات ۱۴-۱۷ اشاره دارد، یا به محتوای کل سوره؟ در پاسخ باید گفت، اشاره به محتوای آیات ۱۴-۱۷ مناسب تر است؛ زیرا ابلاغ فرمان تذکر به پیامبر ﷺ ربطی به صحف ابراهیم و موسی ﷺ ندارد؛ به همین دلیل، این دو آیه را کلامی مستقل در نظر نمی‌گیریم، اما این قابلیت را دارد که مطلب مستقل در کلام آخر به شمار آید.

بر این اساس این سوره مبارکه به سه کلام تقسیم شد: آیات ۱-۵؛ ۶-۱۳؛ ۱۴-۱۹

برای کشف غرض سوره باید ابتدا غرض و لب محتوای هر کلام را کشف نموده و با نسبت سنجی میان آنها غرض سوره را به دست آورد. ملاحظه می‌شود که کلام نخست، پس از فرمان دادن رسول خدا ﷺ به تسبیح پروردگار بلندمرتبه، در چهار آیه یادآور هدایت تکوینی الهی می‌شود. کلام دوم با دو مقدمه رسول خدا را به تذکر دادن و هدایت تشریحی مردم فرمان می‌دهد. کلام سوم هم بیان می‌دارد که رسیدن به سعادت و فلاح در پرتو تذکرپذیری و تزکیه است. پس این سوره با مقدمه هدایت تکوینی، فرمان هدایت تشریحی را صادر کرده و فلاح را نتیجه پذیرش آن دانسته است.

نکته: آیات طلّیعه این سوره (۵-۱) از وجوه ربوبیت خدا دو جنبه را مطرح کرده است:

۱. به نتیجه رساندن و هدایت کردن: ﴿خَلَقَ فَسَوَّى، قَدَّرَ فَهَدَى﴾

۲. از بین بردن: ﴿أَخْرَجَ الْمَرْعَى، عُفَاءً أَوْحَى﴾.

در جریان هدایت تشریحی نیز با توجه به اختیار انسان، هر یک از این دو رویکرد ربوبیت الهی تصور دارد: ۱. تذکر پذیری سعادت: ﴿سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى﴾ ۲. تذکر گریزی و شقاوت: ﴿وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى﴾.

پس می‌بینیم که آیات طلّیعه که از تنزیه ذات پاک باری تعالی در هدایت تکوینی سخن به میان آورده است، هم مقدمه‌ای برای کلام دوم (فرمان دادن پیامبر به هدایت تشریحی) و هم مقدمه‌ای برای کلام سوم (عکس العمل انسان‌ها در برابر هدایت تشریحی) است و به همین دلیل، طلّیعه سوره به شمار آمده است.

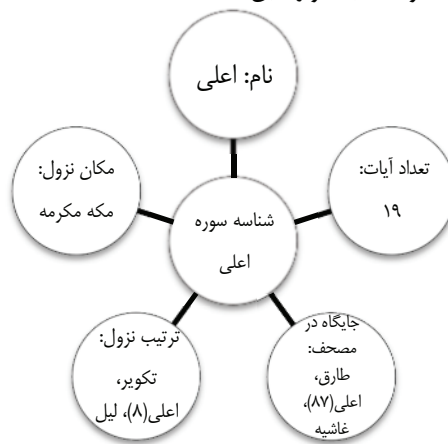
این سوره بحث هدایت تشریحی (کلام ۲ و ۳) را با مقدمه بحث هدایت تکوینی آورده است؛ زیرا روش قرآن این است که با تبیین امور محسوس بدیهی، زمینه تبیین امور غیر محسوس نظری را فراهم آورد؛ در اینجا هم بحث هدایت تکوینی الهی (با دو رویکرد به ثمر رسیدن و از بین رفتن) نمونه‌ای محسوس و عینی برای تبیین هدایت تشریحی و تفاوت رویکرد ربوبی با توجه به اختیار انسان‌هاست.

پس غیر از طلّیعه که با هر دو کلام سوره مرتبط است، در نیمی از سوره، سخن از ذکر بودن قرآن و مذکر بودن پیامبر ﷺ است و در نیمی دیگر سخن از عکس العمل انسان‌ها در برابر این دو؛ نتیجه آنکه سوره می‌خواهد بگوید از سویی، هدایت تشریحی نبی امری ضروری است و از سویی دیگر، شرط نتیجه بخشی آن و رسیدن به فلاح، تذکرپذیری انسان‌هاست. با توجه به همه این مطالب، غرض سوره را می‌توان «فلاح در پرتو اعتناء به هدایت قرآنی رسول الله ﷺ» (ر.ک: الهی زاده، تدبر در قرآن، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

۲- خواندن متن قرآن به صورت ترتیل و با صوتی زیبا پیش از شروع تفسیر، موجب آرامش دل و صفای جان می‌شود و شنونده را برای شنیدن تفسیر آماده می‌کند. این همان چیزی است که خداوند متعال هنگامی که در آیه ذیل، تلاوت را بر تعلیم مقدم نموده و تلاوت آیات قرآن را وسیله تزکیه و تعلیم قرار داده است (قرائتسی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱۹۰/۲). ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ﴾

و يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾ (آل عمران/١٦٤)؛ «به یقین، خدا بر مؤمنان مَنّت نهاد [و نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان بر انگیخت که آیاتش را بر آنان بخواند، [و پیروی کند] و رشدشان دهد [و پاکشان گرداند]، و کتاب [خدا] و فرزاندگی به آنان بیاموزد، در حالی که قطعاً پیش از [آن] در گمراهی آشکاری بودند».

۳- بایسته است که ابتدا مقدمه‌ای مختصر پیرامون سوره یا قسمت خاصی که شامل اسامی سوره، تعداد آیات آن، زمان و مکان نزول آن، موضوع و اهداف سوره، تناسب آن با سوره‌های و آیات پسین و پیشین و... است، ذکر شود؛ برای مثال، مقدمه‌ای کوتاه از سوره اعلی که در قسمت پیشین ذکر شد، به قرار ذیل است:



نام: اعلی؛ این واژه در نخستین آیه این سوره به کار رفته است.

دانشتنی‌های نزول: این سوره مکی است و بر اساس جدول معتبر ترتیب نزول، هشتمین سوره فرود آمده است که پیش از آن سوره تکویر و پس از آن سوره لیل نازل شده است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۷۸: ۹۱).

علامه طباطبایی رحمته‌الله این سوره مبارکه را فرمانی به توحید پروردگار و تنزیه ذات متعالی او و وعده‌ای به علم و حفظ و فراهم‌سازی راهی آسان و مناسب برای تبلیغ و دعوت به اسلام دانسته‌اند. فرمان و وعده مطرح شده در این سوره خطاب به نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۰/۲۶۳).

۴- بیان مختصر مفردات سوره، ریشه‌یابی و قالب شناسی واژگان به صورت مختصر ارائه برخی مؤیدات از قرآن، سنت و کلام عرب.

۵- بسنده کردن به توضیح معنای اجمالی متن قرآن.

۶- با توجه به اینکه ذیل برخی آیات دیدگاه‌های متعددی ذکر شده است، باید از توضیح و تبیین همه نظرها خودداری نمود و به ذکر دیدگاه برگزیده بسنده کرد.

لازم به ذکر است در برخی از آیات دیدگاه‌های متعددی وجود دارند که با علم قطعی روز، در تناقض است که در این صورت باید دیدگاه برتر (دیدگاه موافق با علوم قطعی) را پذیرفت؛ برای مثال، درسوره طارق آیه ۶ چنین آمده است: «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ»؛ «از آب جهنده‌ای آفریده شده که از میان ستون فقرات و استخوانهای سینه بیرون می‌آید». در مورد عبارت «ماء دافق»، مفسران دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی آن را منی مرد (ر.ک: طباطبایی، همان، ۱۴۱۷: ۲۰/۳۷۹). و برخی آن را آب مشترک زن و مرد می‌دانند (زمخشری، الکشافی عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۶: ۴/۷۳۵)، اما باید گفت انسان در قالب تخمک به وجود می‌آید که هر تخمک از دو قسمت تشکیل می‌شود: یکی «اسپرمتوزوئید» مرد و دیگری «اوول» زن، هر مرد در هنگام آمیزش، همراه با جهش قطراتی از منی، صدها میلیون «اسپرمتوزوئید» از او خارج می‌شود که معمولاً یکی از آنها خود را به «اوول» زن رسانده، با آن ترکیب شده، تشکیل تخمک می‌دهد و سپس به کندی حرکت می‌کند تا در رحم زن مستقر شود و نطفه منعقد شده در رحم، کم کم رشد کرده و کودکی به دنیا می‌آید (ر.ک: سادلر، بی‌تا: ۳۰).

با توجه به این مسائل علمی، می‌توان احتمال نخست را پذیرفت که مراد از «ماء دافق» منی مرد است که با جهش بیرون می‌آید. این امر با ظهور آیه نیز سازگار است و این بدان سبب است که مایعی که از زن خارج می‌شود «اوول» جهش نداشته و هنگام حرکت به سوی رحم نیز به کندی حرکت می‌کند (ر.ک: سادلر، بی‌تا: ۲۸)؛ بنابراین، دیدگاه دوم در مورد «ماء دافق» (آب مشترک زن و مرد) صحیح به نظر نمی‌رسد.

در مورد صلب و ترائب نیز دیدگاه‌های مفصلی وجود دارد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۰۶: ۶/۶۲-۶۳؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۰۲: ۶/۳۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۲۶/۳۶۷) که نتیجه بررسی اقوال ما را بدین جهت رهنمون می‌سازد که مراد از صلب

و ترائب، منی مرد است که از بین پشت و پیش روی او خارج می‌شود یا از بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی) خارج می‌شود. این معنا با کلام علامه طباطبایی رحمته که معتقدند مراد، کل بدن انسان است نیز قابل جمع است. همچنین نه تنها با مبانی علمی نیز ناسازگار نیست، بلکه علم مؤید آن است؛ چراکه قرآن می‌فرماید: «منی مرد از بدن او که بین پشت و جلوی او (که منظور محل آلت تناسلی اوست) خارج می‌شود» و این امر با ظهور آیه شریفه که صفت برای «ماء‌دافق» است، سازگارتر است.

۷- عدم توسل به ذکر موضوعات علوم قرآن؛ مانند: مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، اسباب نزول و... مگر به اندازه‌ای که در فهم متن نیاز باشد.

در موارد خاصی ذکر مکی و مدنی و اسباب نزول و... الزامی است که استفاده‌های فقهی، کلامی، اعتقادی و... می‌توان نمود؛ برای نمونه، در سوره بقره آیه ۱۱۵ چنین آمده است: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ «و خاور و باختر، تنها از آن خداست. و به هر سو رو کنید، پس ذات خدا آنجاست. که خدا گشایشگر (بی نیاز و) داناست». این آیه از آیاتی است که دارای ظاهر و بطن (تنزیل و تأویل) است که با راهنمایی امام معصوم علیه السلام جنبه عمومی آن روشن شده است. این آیه در ظاهر با آیاتی که ایجاب می‌کند حتماً رو به کعبه نماز بخوانید، منافات دارد، ولی با مراجعه به شأن نزول، این تنافی برطرف می‌شود.

شان نزول آیه چنین است: یهودیان به مسلمانان اعتراض می‌کردند که اگر نمازگزاران به سوی بیت المقدس حق است، آن گونه که تاکنون عمل می‌شد، پس تحویل آن به سوی کعبه باطل است و اگر رو به سوی کعبه نماز خواندن حق است، پس بطلان آنچه تا کنون خوانده شده است ثابت می‌شود. خداوند در این آیه جواب می‌دهد: هر دو کار حق بوده و هست؛ زیرا اصل نماز یک حقیقت ثابت است، ولی رو به کعبه یا بیت المقدس، یک امر اعتباری محض است که برای ایجاد وحدت در صفوف نمازگزاران جعل شده است. به هر کجا که رو کنی، خدا هست و رو به خدا ایستاده‌ای. پس رو به مشرق نمازگزاران به جهت قرار داشتن کعبه (مکه) در شرق مدینه و رو به مغرب نماز خواندن به دلیل قرار داشتن بیت‌المقدس در غرب مدینه همگی از آن خداست و رو به خداست. خداوند در تنگنای جهت خاص قرار نگرفته است.

در روایات، از این آیه استفاده دیگری نیز شده است و آن اینکه می‌توان نمازهای مستحبی را در حال سواره به هر سویی که در حرکت هستیم، به جای آورد (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۷۹: ص ۶۷؛ نیز ر.ک: حرعاملی، وسائل الشیعه، بی‌تا: ۳/ باب ۸ و ۱۵). در این مورد ما ناگزیریم به اسباب نزول رجوع نماییم در غیر این صورت به بیراهه کشانده می‌شویم؛ به این صورت است که بسیاری از دیگر مسائل قرآنی با توسل به مکی یا مدنی بودن آیات و سور حل و فصل می‌شود (ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۰۹: ۱/ ۱۹۵). چنان که گذشت، مبنای کار مفسر باید عدم توسل به ذکر موضوعات علوم قرآن باشد، اما در موارد خاص، خدشه‌ای به برنامه وارد نمی‌شود.

۸ - پرهیز از پرداختن به جنبه‌های تخصصی فقهی یا نحوی و بلاغی. همان‌طور که ذکر شد، در موارد خاص که بدون ذکر آنان در فهم متن خلل ایجاد می‌شود، ناگزیریم که آنها را ذکر نماییم.

هنگامی که مفسر با آیه فقهی یا آیات الاحکام مواجه شد، شایسته است به صورت کوتاه و مختصر آن را بررسی نماید و از تفصیل و اموری که نتیجه عملی در پی نخواهد داشت، پرهیز نماید؛ مانند بیان اقوال فقهاء و نحوه استنباط هر یک از آنان و ذکر دلایل مخالفان یا موافقان؛ زیرا موجب آشفتگی سخن، کمبود فرصت برای ذکر تفسیر ثابت (اصلی)، و احساس خستگی در شنونده و... می‌شود؛ برای مثال در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۱۸۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر شده، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید». شایسته است مفسر در توضیح احکام این آیه، فقط حکم و جوب روزه را بیان نماید و از ذکر احکام تفصیلی که مفسر را از هدف مطلوبش دور می‌سازد، خودداری کند.

۹- تمییز دادن احادیث سره از ناسره و دوری و اعراض از روایات جعلی (اسرائیلیات). پدیده شوم احادیث جعلی از صدر اسلام و به انگیزه‌های مختلف سیاسی، کلامی، مذهبی، اقتصادی، عاطفی و... وجود داشته است و پیشوایان دین این خطر را احساس کرده و همواره برای جلوگیری از آن هشدار داده بودند (ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، بی‌تا: ۲۲۵/۲؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: ابوریه، اضواء علی السنه المحمديه، بی‌تا: ۲۰۱). در این بین، روایات

تفسیری دستخوش جعل بیشتری قرار گرفتند. البته مشکلات دیگری همچون وجود تناقض در روایات تفسیری، نفوذ اندیشه‌های یهودی و مسیحی در متون تفسیری (ذهبی، التفسیر والمفسرون، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۰۲) و وجود روایات ضعیف و... بر خطر این گونه روایات می‌افزاید. گرچه تفسیر روایی امتیازاتی را نیز در بردارد که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد (ر.ک: حسین علوی‌مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

۱۰- بسنده کردن به حکم احادیث و عدم ذکر همه احادیث در تفسیر.

۱۱- مفسر باید بیان تفسیر را با عبارتی آسان و روان که از دشواری و پیچیدگی هم دور باشد، کامل کند و همان‌طور که یک تاجر موفق در معامله و بازرگانی خویش از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کند و یا راننده در خودروی خود روش خاصی را دنبال می‌کند، یک مفسر باید شیوه‌های گوناگونی را در جهت جلب توجه شنونده و نفوذ کلام خدا در جان و دلش به کار گیرد و در او تأثیر بگذارد. این امر از چند راه امکان دارد:

الف) اسلوب اللغة: مانند شیوه سؤال و جواب. این شیوه به فهم معارف تفسیری کمک زیادی می‌کند؛ بدین صورت که با ایجاد پرسش از جانب مفسر، جواب‌های گوناگونی در ضمیر شنونده ایجاد می‌شود و ذهن کاملاً آماده و متوجه پاسخ می‌شود. بدین سان درک و فهم تفسیر برای همگان آسان می‌شود؛ مثلاً اینکه مفسر بگوید: به نظر شما معنای کلمه‌ای که در سخن خداوند وارد شده، چیست؟ پس جواب چنین است ...

یادکردنی است که رعایت سلامت حروف و قوانین ادبی، نقش شگرفی در این بین دارد. ب) اسلوب العرض والاداء: شیوه بیانی و تلفظی نیز جایگاه والایی دارد؛ بدین صورت که صدای مفسر باید در جان شنوندگان تأثیرگذار و جذاب جلوه نماید. همچنین تلفظ حروف باید زیبا، روان و ملایم باشد و از درشتی و غلظت که باعث سنگینی در شنیدن (ثقل و کراهت سمع) می‌شود، به دور باشد.

مفسر باید در به کار بردن علائم ویرایشی که در فهم متن کمک می‌کند؛ ماهرانه عمل کند؛ زیرا به کارگیری ماهرانه این علائم، تأثیر شگرفی در شنونده می‌گذارد.

مهم‌ترین نکته جالب توجه، تنوع صوتی مفسر می‌باشد بدین معنا که مفسر هرگاه از آیاتی که در آن توصیفات و وعده‌های بهشتی وجود دارد، عبور کرد باید تلفظ وی هنگام تفسیر کردن آن آرام و شادی بخش باشد و هرگاه از آیات جهنم و عذاب‌های آن گذشت،

تلفظ وی در تفسیر آن باید آتشین باشد مانند اینکه صدا را به صورت معقولی بالا ببرد به گونه‌ای که سختی و وخامت آن آشکار شود.

از آنجا که هدف والای قرآن، هدایت مردم به پایدارترین راه است (اسراء/ ۹)، شایسته است مفسر بعد از تفسیر هر بخش به دو نکته توجه نماید:

۱- مفاهیم عالی، صدق و راستی و شیرینی کلام قرآن کریم، همان وحیی است که از جانب خداوند متعال نازل شده است و هیچ‌گونه بطلانی در آن راه ندارد.

۲- تطبیق دادن آیات با عالم واقع تا حدامکان؛ مثلاً هنگامی که به آیه‌ای رسید که از ربا بر حذر می‌دارد و ضرر آن را برای افراد و جوامع روشن می‌سازد، باید اشاره‌ای سریع و مختصر به سیر گسترش این پدیده شوم در عالم واقع داشته باشد و اینکه مردم چگونه در باتلاق گمراهی و حرام غرق شده‌اند تا شنونده به اهمیت و خطرناک بودن این بیماری پی ببرد و توجه یابد که آنچه که در متن قرآن آمده است، منحصر به گروه یا زمان خاصی نیست.

شایسته است از اهمیت فراوان جری و تطبیق در حوزه علم تفسیر غافل نشد و آن را در برنامه‌های تفسیری به کار بست؛ زیرا به کارگیری این مهم، بیانگر این حقیقت است که قرآن کریم، کتاب راهنما و برنامه زندگی همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و می‌تواند راهگشا و تأمین‌کننده سعادت مردم باشد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نورائی، بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق، ۱۳۹۰: ۳۱).

تلاش مفسران گذشته، تلاشی با ارزش و دستاوردی بزرگ در زمینه انتقال مفاهیم و معارف تفسیری است، لیکن در برخی رسانه‌ها تفسیر به صورت کارشناسی شده و مدون پخش نمی‌شود که امید است با نکاتی که بیان شد، این مهم نیز اصلاح شده و معارف تفسیری قرآن بتواند به طور کامل در روح و جان شنوندگانش اثربخش باشد.

نتیجه

رسانه‌های گروهی و جمعی با توجه به پیشرفت‌های علمی، مهم‌ترین ابزار برای تبلیغ معارف و تفسیر قرآن کریم به شمار می‌آید و آن چه بیشتر افراد چه در محل زندگی و چه در محل کار با آن در ارتباطند، رادیو است.

در کشورهای عربی نظیر عربستان، مغرب، اردن، سوریه و... استفاده تفسیری و آموزش‌های خاص از طریق رادیو، جایگاه ویژه‌ای دارد. در کشور عزیزمان بعد از انقلاب

اسلامی و تأسیس شبکه‌های قرآن و معارف، این فرآیند تا حدی گسترش یافت، اما جای تفسیر رسانه‌ای به عنوان یک تفسیر تخصصی، با شیوه و روشی منحصر به فرد با توجه به سه عنصر زمان، مکان و شنونده، خالی است.

در این نوشتار روش‌های متعدد تفسیر رسانه‌ای در کشورهای عربی، بررسی و پس از کنکاشی نسبتاً عمیق، روشی جدید بر پایه سه عنصر زمان، مکان و شنونده تبیین شد.

منابع

۱. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالجيل، ۱۴۲۰ق.
۲. ابن سلیمان الطیار، مساعد، مفهوم التفسیر والتاویل والاستنباط والتدبر والمفسر، الدمام، دارابن الجوزی، ۱۴۲۳ق.
۳. ابن عطیه الاندلسی، عبدالحق، تفسیر ابن عطیه (المحرر الوجیزی تفسیر الكتاب العزیز)، المغرب: مطابع قضا له، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، بی تا.
۵. ابوحسان، جمال محمود، دراسات اسلامیه وعربیه، عمان: دارالرازی، ۱۴۲۳ق.
۶. ابوریه، محمود، اضواء علی السنه المحمديه، مصر: دارالمعارف، چاپ سوم، بی تا.
۷. بیومی، محمد رجب، التفسیر القرآنی، القاهره: دارهجر، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۸. سنیدی، فهد بن عبدالعزیز، تجربتی مع الاداعه، الرياض: دارالوطن، ۱۴۲۲ق.
۹. سید لحام، بدیع، وهبه الزحیلی، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۲ق.
۱۰. الطیب، عبدالله، تفسیر جزء عم، الخرطوم: الدارالسودانیه، ۱۹۷۰م.
۱۱. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، بی جا: دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۱۲. مکی ناصری، محمد، التیسیر فی احادیث التفسیر، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. الهی زاده، محمدحسین، تدبر در قرآن، مشهد: گل محمدی، ۱۳۹۲ش.
۱۴. حرعاملی، محمد حسن، وسائل الشیعہ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۵. حسن عباس، فضل، التفسیر اساسیاته واتجاهاته، عمان: مکتبه دندیس، ۱۴۲۶ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۷. ذهبی، محمدحسین، التفسیر والمفسرون، قاهره: دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۱ق.
۱۸. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان وروح الجنان، تهران: چاپ اسلامیه، بی تا.
۱۹. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۴م.
۲۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۲۱. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۱ق.

۲۲. زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ق.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره: دارالتراث، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۲۴. شیری، فریدون، فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، تهران: خجسته، ۱۳۷۱ش.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبری، محمدبن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان عتاولیل آی القرآن)، قاهره: دارهجر، ۱۴۲۲ق.
۲۷. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۲۸. فولادی، محمد، چیستی رسانه‌ها با تاکید بر رسانه دینی، قم: معرفت فلسفی، سال ۹، ش ۳۶، تابستان ۱۳۹۱ش.
۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۳۰. قطب، سید، فی ظلال القرآن، الطبعة العاشرة، بیروت: دارالشروق، ۱۴۰۲ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: لبنان، مؤسسه الوفاء، بی تا.
۳۲. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، چ ۳، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.
۳۳. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، چ ۱، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۷۸ش.
۳۴. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۶ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ش.
۳۶. نورائی، محسن، بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق، مجله آموزه‌های قرآنی، ش ۱۴، پائیز و زمستان ۱۳۹۰ش.
۳۷. هرماس، عبدالرزاق، الشیخ محمد المکی الناصری مفسرا، مغرب: احیاء المغربیه، ۱۴۱۹ق.